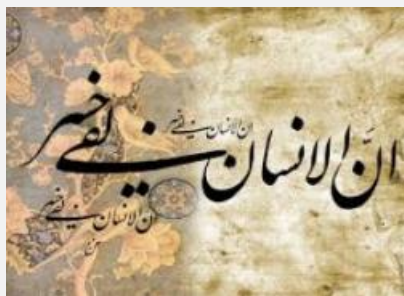


مقصود از خسران در اعمال چیست؟

خسران یا زیان کاری از موضوعاتی است که بارها در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است، به گونه‌ای که ریشه «خسر» 65 بار با مشتقات مختلف در این کتاب مقدس آمده است.



خسران یا زیان کاری از موضوعاتی است که بارها در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است، به گونه‌ای که ریشه «خسر» 65 بار با مشتقات مختلف در این کتاب مقدس آمده است.

همان‌گونه که زیان کاری در امور مادی نسبی است؛ هم افرادی که به طور کامل ورشکسته شده‌اند و هم افرادی که سود کمتری در کسب و کار خود به دست آورده‌اند، هر دو خود را زیان‌کار می‌پندارند، در امور معنوی نیز زیان کاری نسبی است. اولیای الهی خود را ملامت و سرزنش می‌کنند که چرا با فراهم بودن شرایط، نتوانسته‌اند به سود و منفعت کامل دست یابند و از این لحاظ، خویشان را زیان‌کار می‌بینند، اما افراد دیگری هستند که زیان آنان به مراتب بیشتر است و نه تنها سودی به دست نیاورده‌اند، بلکه ضررهای سنگینی نیز دامگیرشان شده است.

در هر حال، قرآن کریم و روایات، مصادیق مختلفی را برای افراد زیان‌کار معرفی کرده است: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا. الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا...» [1]

این آیات در قرآن کریم، زیان‌کارترین افراد را اشخاصی معرفی می‌کند که عمل زشتی را انجام داده‌اند، اما گمان می‌کنند که رفتار نیکی انجام می‌دهند. شیطان با سوء استفاده از فطرت خیرخواهانه انسان‌ها، با وسوسه‌های خود، این پندار نادرست را در ذهن آنان شکل می‌دهد که رفتار نادرست خویش را زیبا ببینند. [2]

اما در مورد این‌که چرا آنان زیان‌کارترین افرادند، مفسران نکات زیبایی را مطرح کرده‌اند که ما بخشی از مطالب ارائه شده در یکی از تفاسیر [3] را در اختیارتان قرار می‌دهیم:

«در زندگی خود و دیگران بسیار دیده‌ایم که گاه انسان کار خلافی انجام می‌دهد، در حالی که فکر می‌کند که کار خوب و مهمی انجام داده است، این‌گونه چهل مرکب ممکن است یک لحظه و یا یک سال، و یا حتی یک عمر، ادامه یابد، و راستی بدبختی از این بزرگتر تصور نمی‌شود. و اگر می‌بینیم قرآن چنین کسان را زیان‌کارترین مردم نام نهاده دلیلش روشن است برای اینکه کسانی که مرتکب گناهی می‌شوند اما می‌دانند خلافت‌کارند غالباً حد و مرزی برای خلافت‌کاری خود قرار می‌دهند، و لا اقل چهار اسبه نمی‌تازند، و بسیار می‌شود که به خود می‌آیند و برای جبران آن به سراغ توبه و اعمال صالح می‌روند، اما آنها که گنه‌کارند و در عین حال گناهشان را عبادت، و اعمال سوئشان را صالحات و کژی‌ها را درستی‌ها می‌پندارند، نه تنها در صدد جبران نخواهند بود بلکه با شدت هر چه تمام‌تر به کار خود ادامه می‌دهند، حتی تمام سرمایه‌های وجود خود را در این مسیر به کار می‌گیرند....»

در روایات اسلامی تفسیرهای گوناگونی برای «اَخْسَرِينَ اَعْمَالًا» آمده است که هر یک از آنها اشاره به مصداق روشنی از این مفهوم وسیع است، بی آن‌که آن را محدود کند.

در حدیثی از اصبع بن نباته می‌خوانیم که شخصی از امیر مؤمنان علی (ع) از تفسیر این آیه سؤال کرد، امام فرمود: منظور یهود و نصاری هستند، اینها در آغاز بر حق بودند سپس بدعت‌هایی در دین خود گذاردند و در حالی که این بدعت‌ها آنها را به راه انحراف کشانید، گمان می‌کردند کار نیکی انجام می‌دهند.... در ادامه همان حدیث می‌خوانیم که ایشان پس از ذکر گفتار فوق فرمود: خوارج نهروان نیز چندان از آنها فاصله نداشتند! [4] در حدیث دیگر مخصوصاً اشاره به رهبان‌ها (مردان و زنان تارک دنیا) و گروه‌های بدعت‌گذار از مسلمانان شده است. [5]

اکنون این سؤال پیش می‌آید که سرچشمه این حالت انحرافی خطرناک چیست؟

مسئله تعصب‌های شدید، غرورها، تکبر، خودمحوری، و حب ذات از مهم‌ترین عوامل پیدایش این گونه پندارهای غلط است.

گاه تملق و چاپلوسی دیگران، و زمانی در گوشه انزوا نشستن و تنها به قاضی رفتن، سبب پیدایش این حالت می‌گردد، آن‌چنان که بجای احساس شرمندگی و ننگ از این زشتی‌ها، احساس غرور و افتخار و مباهات می‌کند.

[1] . کهف، 103-106.

[2] . انعام، 43 ؛ انفال، 48؛ نمل، 24؛ عنکبوت، 38 و

[3] . مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج 12، ص 564-566، دار الکتب الإسلامية، تهران، 1374 ش.

[4] . مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج 10، ص 122، مؤسسة الوفاء، بیروت، 1404 ق.

[5] . همان، ج 2، ص 298.